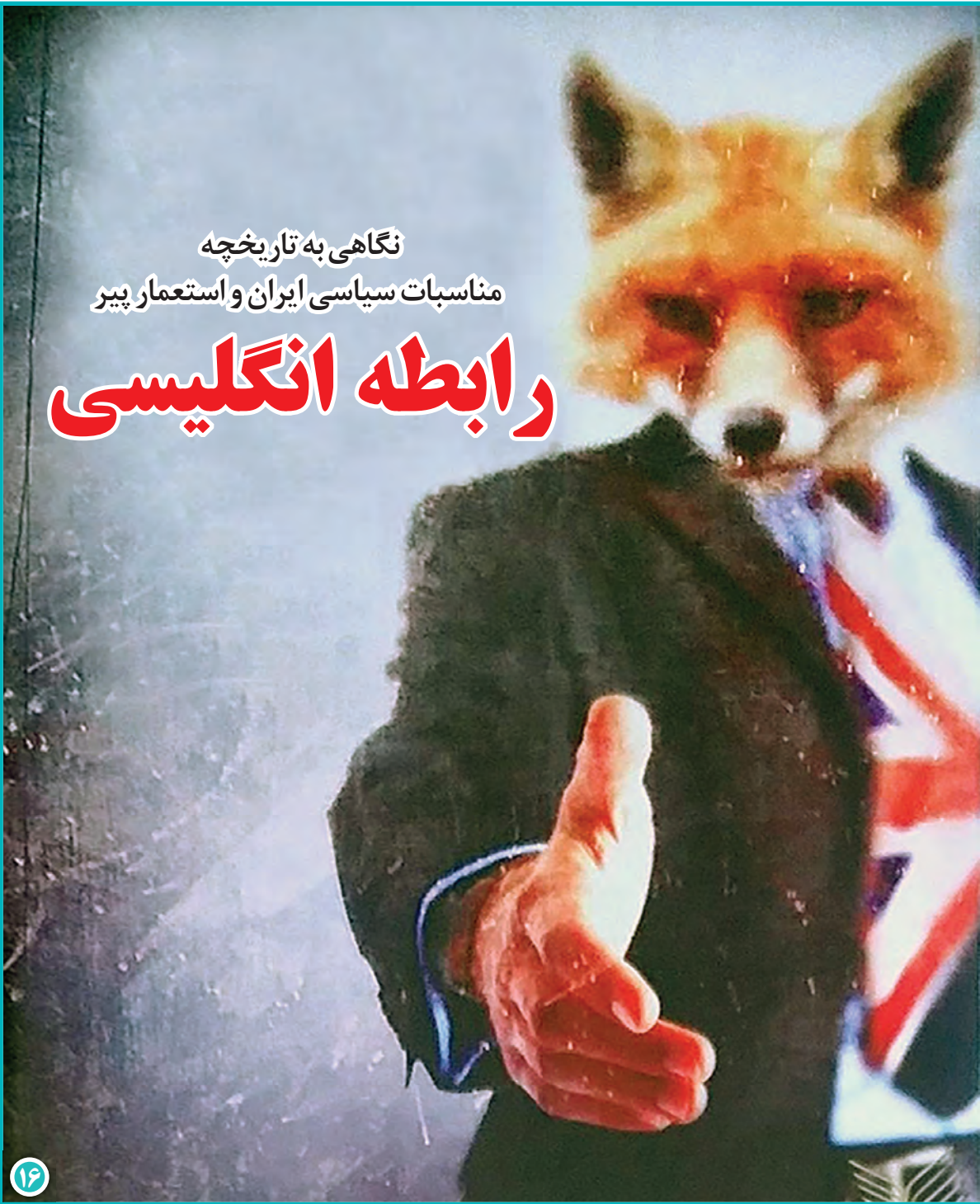
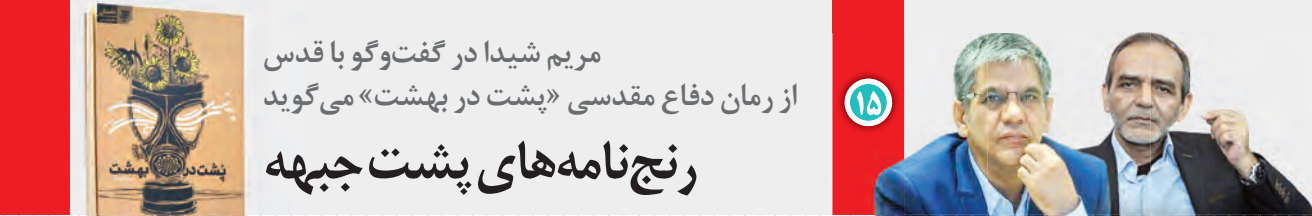




حکایتی ندارد؛ اما به استناد حدود ۱۲۰۰ تنگانه قانون ثبت مراتب یکپوش است و متذکر میگردد هر کسی نسبت به ملک مورد اگهی معامله یا انجام داد و بامتی خود به سند دولتی استخراجه باشد یا سندی در دستش در روز تاریخ استخراجه این اگهی اعتراضی خود را به بیوسمت اصل معامله در سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید؛ بهیچان ضرورت عدم وصول اعتراض را مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نیست به صدور سند مالکیت امتناع و تسلیم آن به معنای اقرار خواهد شد. (الف ۳۵۴) (۹۷/۱۰/۹۷)

علی اب باریکی - رئیس ثبت اسناد و املاک سیبزواری

بدینوسیله به ۱- خانم ارمیه زکریا فرزند داریی فرزند محمدحسین فعلا مجهول
المنکان ابلاغ می شود که بانک الحسنه میران ابراهیم دادخواستی به خواسته مطالبه وجه به ظرفیت
شماره ۱۳۹۷/۱۱۰۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ علیه نامبرده ثبت نموده و به تاسیسه ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ ثبت و اثر آن در سامانه
۱۳۹۷/۱۱/۱۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ است. بدینوسیله جهت اطلاع و ابراهیم میران به استناد شماره ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ مورخ
۱۳۹۷/۱۱/۱۱ به روزنامه کلاله انتشارت کرد می گردد شما می توانید اثر آن رسیدگی به دیوانه خبری حال
۱۳۹۷/۱۱/۱۱ است. به ریاستان سرگرم فرزند محمدشاه می باشد که برای چهارم دادگاه خبری و مراجعه و
اثره ادرس جدید خود نسخه تالی دادخواست و ضامنه ادراریات و در وقت رجوع جهت رسیدگی در شهر
شیراز شوند. در صورت عدم حضور، با رسیدگی دادخواست شماست. ۱۳۹۷/۱۱/۱۱
مستول بدیانه شعبه ۱ شورای حل اختلاف شیراز

شماره نامه: ۹۶۰۹۹۸۵۶۰۱۰۰۹۹۲ شماره پرونده: ۱۳۹۷/۳۳۰۰۴۶/۸۱۵
برونده: ۹۶۰۱۲
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۷/۲۹

آقای ابلاغ افشار اجرونی

بدینوسیله به محکوم علیه آقای مهدی زاکانی فرزند نعمت‌الله مجهول المکان ابلاغ می شود که پیرو
اگهی های قبلی و به موجب رای شماره ۱۰۰۲۶۱ - ۹۸۴۵۶۷۰۰ مورخه ۶ / ۶ / ۱۳۹۷ استواری حل
اختلاف حوزه ۱ قاضی ، مشارالیه و دیگر خواننده برپورده آقای حسن جعفرافریض در یکم از اخصوص بر یکی از
دفاتر اسناد رسمی و انتقال سند ضروری موارد زیر پارس اسناد انتظامی شماره ۴۶ ایران ۱۳۵۳ اعتبار
خواسته گرد محکوم له قرار دادند و بدینوسیله به محکوم علیه حضرت شاهر و هفتصد و دوازده ریال با احتساب
صاحبان

دائری، از باب تسبیب به صورت مساوی در حق محکوم ۲- پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه و پنج هزار ریال بابت نیمی عشر دولتی به صورت مساوی در حق صندوق دولت، محکوم گردیده است. لذا به موجب این احکام به نامبرده می بایست ظرف مهلت ده روز پس از اتمام اجهی محکوم به اجرای مفاد رای اقدام نماید در غیر این صورت اقدامات قانونی علیه اش شروع خواهد شد بدین تأری ۹۷۱۱۲۰

مسئول دفتر شورای حل اختلاف حوزه ۲ فاین جلالی

شماره نامه: ۱۳۹۷.۲۳.۰۰۴۵۸۴۸۶ شماره پرونده: ۹۶.۹۹۸۵۶۶۰۳۰۵۷۹
شماره بایگانی پرونده: ۹۶.۰۶۰۴ تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۷/۲۸

[illegible]

۵۳۰ / ریال بابت هزینه بیمه عمر دولتی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است لذا به موجب این
اخطاریه نامبرده می بایست ظرف مهلت ده روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد رای اقدام نماید
در غیر این صورت اقدامات قانونی از طریق اجرای احکام شورا صورت خواهد پذیرفت. ۹۷۱۱۷۰۳
مسئول دفتر شورای حل اختلاف حوزه ۳- حسن زاده

در پرونده کلاسه ۳۰/۱۹۷۰۲۱۹ آقای میثم نصیری فرزند حمید به اتهام سرقت و اخذی تحت تعقیب می‌باشد؛ در اسلحه و مهمه بودن حاکم الفات ابتر شده به تجویز ماده ۱۷۴ و ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۰ مراتب بر روزنامه ایجاب شده و به موجب مکلف است ظرف ۳۰ روز در شعبه ۳۰ بزرگسای دادسرای ناحیه ۳ مشهد حاضر و از اتهام استثنایی دفاع نماید در صورت عدم حضور در موعد مقرر رسیدگی و اتخاذ تصمیم قانونی خواهد شد. تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ و ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ - محمد محمودی بابرین شعبه ۳۰ بزرگسای دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳ - مشهد - محمد محمودی

در پرونده کلاسه ۵۲۷-۱۹۷۰/۴۱ آقای مصطفی علیموند معلم محل اقامت نامبرده به اتهام کشتن گلوله شش نفر همراه تحت تعقیب می باشد به واسطه معلوم نمودن محل اقامت نامبرده به اتهام کشته شدن ۵۶ نفر و ۱۲۴ نفر سابق آیین دادرسی کیفری معصوب ۱۳۲۴ مراتب در روزنامه اخبار می شود و نامبرده معکس است ظرف ۳۰ روز هر شعبه ۲۰۱ دادرسی اداری ناحیه ۴ مشهد حاضر و از اتهام انشایی دفاع نماید در صورت عدم حضور در موعد ظرف رسیدگی و اتخاذ تصمیم قانونی خواهد شد. از ۴۱/۱۹۷۱/۳۲ تا ۲۹/۳/۳۱ بازرس شعبه ۲۰۱ بازرسی دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۴ مشهد محمد محمودی

آگهی اطلاع دهنده:

پیرامون آگهی مورخه ۱۳۹۷/۵/۲۳ در مبحثی خاص خبرانی ازجمله احمد فعلاً مجهول‌المکان ابلاغ می‌گردد.

به موجب اساسنامه استشاری شماره ۱۶۰۴ - ۹۷۰۹۸۷۱۰۱۶۵۶ مورخه ۱۳۹۷/۱/۱۷ در پیونده کاتبه شماره ۱۹۹۷-۷۱۱، به انضمام راهبندی بدون هوادداشت به یک میلیون ریال جزای تقدی محکوم گردیده است.

دانشانه صادره غایبی رتاج مدت بیست و سه روز پس از رویت کاتبه احوالی است مراتب بیک نوبت ابلاغ می‌گردد تا چنانچه مغایر باشد حکم مستقیم اعلام دارد در دفتر رسیدن آن، داده گاهگیری اثر مشهود

استفراغ در مجتمع قضایی ثانی (حرم) مراجعه و پس از رویت مفاد آن نسبت به تغییر اعتراض خود مستقر اعلام نماید.

۱- ۹۷۱۱۶۵۲ م. الف ۲۹۰۳۷
مدیر دفتر شعبه ۱۰۹
دادگاه کیفری دو مشهد

۱۳۹۷/۸/۲۱ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح با حضور نماینده محترم دادستان و از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدین منعم شمرانه چرخش سوارهای خا خاقلان متفقد و دفع بویابو کرد.

نیش کوششمالی ۱۰ از طریق مزایده و فروش میسر شد. مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به کاسیکه بالاترین قیمت را پیشنهاد میسایند واگذار خواهد شد. نمایین به خرید جهت کسب اطلاعات بیشتر و بازدید از ملک موصوف پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از ملک به عمل آید.

[illegible]

مدیر اجرای احکام مجتمع شماره چهار شوراهای حل اختلاف مشهد

۱۱. خواجهان: سید محمدی ۲، فاطمه زهری ۳، علی عباسی زهری ۴، خاندانسی به مرثیت خواجه ۵
زهری به خوسته افرانه که در حوزه ۸ شورای کل اختلاف لاجین به کلاسه ۱۲۹۶/۹۷
تبریز گردید است از آنجا که اعلان خواجهان در دادخواست تقدیمی دعوی مجهول
بیانیه است که در تاریخ ۷۳ قبل از تاریخ درسی می باشد به خواجه ابلا می گردد که جهت
رسیدگی به خواسته خواجهان که حق فسخ پس از رویت همه روز و هر جز پنجشنبه ساعت ۳-۵ بدعا
در صورت عدم حضور از متقنی صادر خواهد شد چنانچه اعتراضی به نظریه (راید) کتبا به این
شورا اید. ۹۷/۱۱/۲۱

دبیر خانه حوزه ۱۱۱ شورای حل اختلاف لاجین

دادنامه

[illegible][illegible]

به مشائره ثابت و مسلم بوده و مستندنا به داده ۶۶۱ خلیف بنکیم بخت تعزیرات ۱۳۷۵ و ۸۶ مخازات اسلامی و رعایت مقررات مربوطه جایگزین جای شیخ موسوی خاوه شده ۶۶۴، ۶۶۳، ۸۶۲ و ۸۶۱ خلیف مجازات اسلامی و رعایت مقررات مربوطه جای عبدالله بنر حسین بنی بر پرداخت مبلغ هجده میلیون ریال جای نقدی بدل از شیخ حسن بنر تعزیرات خلیف صد صندوق قرض مجبوریت اسلامی ای حکومت می نماید در خصوص این شکایت شاهی علیه تمامه بنر در خوهن و بنر هجده خلیف شکایت ابراهیم واسله، قانون بنر بررسی های صورت گرفته بدل از انباری بنر احرار وقوع بزه های معذونه و مستندنا به داده ۶۵ قانون بنر اداری حسن بنر ۱۳۴۲ با اصلاحات بنر قرار عین تعزیرات صمد بنر نماید رای صادره در بخش اول (محکومیت) غایب و مواطرن طرف بنر بیست و نر تغییر اداری خلیف و قانونهای بنر ای شمعیه و مواطرن طرف متکرم قابل تجدیدن نظر خواهی در محکمه تجدیدن نظر استان مهران بنر باشد در خصوص شیخ دوم عین تعزیرات اجحوری و طرف مدت تعین شده قابل تجدیدن نظر خواهی در محکمه موسوبی بنر باشد. ۹۷۱۱۲۱۱

[illegible]

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان همدان تاجیه دو - موسی خیفه

آقای فلدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم علیده فاضلی مقدم استاصه دوبرگ استاصه دبرگهای شده تنظیم به تقاضای کتبی جهت دریافت سندمالکیت المتی نوبت اول از اداره رجوع کرد و مدعی اسامی و یک سوم متعلق به وی میباشدنظراذکر مکان مفقود شده باز بررسی دفتر اسناد معلوم شد دفترمالکیت اولیه ذیل ثبت ۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶ و ۱۲۱۷ و سایر موارد تسلیم شده و دفترمالکیت بشر از

دو تهیه کننده به قدس پاسخ می دهند:

از پول‌های مشکوک تا دستمزدهای نجومی

[illegible]

حاشیه

گیاهان کویری را چقدر می‌شناسید؟

سبزی‌های رنگ‌پریده

حسین رسول‌زاده: گیاهان کویری، گیاهانی مقاوم و صبور هستند. وجود همین گیاهان اندک کمک می‌کند تا خاک کویر ثابت بماند و پیشروی نکنند. نقش گیاهان کویری در مهار بیابان‌زایی، نقشی تعیین کننده است؛ بوته‌های رنگ‌پریده‌ای که گوشه و کنار جغرافیاهای پرتافتاده کویری به چشم می‌آیند، شماری از این گیاهان را می‌توانید در این ستون بهتر بشناسید.



مقاومت زیاد در برابر خشکی و گرما با سیستم ریشه‌ای گسترده. همین سیستم ریشه‌ای گسترده هم سبب شده تا از این گیاه برای جلوگیری از گسترش کویر استفاده کنند. اگر چه دام‌ها سرشاخه‌های جوان تاغ را می‌چرند، اما تاغ را نمی‌توان یک گیاه علوفه‌ای به شمار آورد. با وجود این، تاغ در پناه خود محیطی ایجاد می‌کند که گیاهان علوفه‌ای بهتر بتوانند رشدکنند. چوب تاغ، به علت کج ومعوج بودن برای کارهای ساختمانی مناسب نیست، اما از آن برای سایبان و چتر استفاده می‌شود. همین آن اما خوش‌سوز است و همین خوش‌سوزی، بالای جان جنگل‌های تاغ شده است. به گفته خادم‌الشریعه، قاچاق زغال تاغ، متأسفانه تجاری پرسود در همه مناطق تاغ‌کاری شده است.

اسفناج وحشی، علوفه خوش‌خور آتریپلکس یا «اسفناج وحشی»، بوته بزرگی است که ارتفاع آن به بیش‌تر از یک متر هم می‌رسد. اسفناج وحشی با بوته پت و پهنش، مثل یک کپه سبزی، روی خاک کویر چادر می‌زند. به گفته کارشناس منابع طبیعی سبزوآر، ارزش غذایی بذر بوته آتریپلکس با ارزش غذایی جو برابری می‌کند و از این منظر این گیاه، بنددت برای چرای دام‌ها، آن هم در پهنه کویر مناسب است.

بهترین فصل تولید نهال glandانی آتریپلکس، اوایل شهریورماه است. بوته‌های اسفناج وحشی، پاییز به بذر می‌نشینند. خادم‌الشریعه به کمک اهالی، بخشی از بودها را با کشت در خزانه جمع‌آوری می‌کنند و باقی می‌ماند برای چرای دام‌ها. به گفته او، گله گوسفند دور یک بوته بزرگ اسفناج وحشی حلقه می‌زند و نشان می‌دهد که انتخاب این گونه، چه انتخاب مناسبی برای نهال‌کاری بوده است.



این ساختار، قره‌داغ می‌تواند نقش قابل توجهی در تثبیت خاک بیابان داشته باشد. بوته‌های قره‌داغ نسبت به خشکی و شوری آب مقاوم هستند و همین کمک می‌کند تا این گیاه بتواند در کویر زیست کند. میوه‌های سبیدارکن این بوته‌ها، اوایل تابستان می‌رسد؛ میوه‌هایی که به گفته خادم‌الشریعه، خوراک مورد علاقه «هوبره‌هاست. پرنده‌های کویر در آن خشکی و بی‌ابی، می‌توانند بخشی از آب مورد نیاز بدنشان را از همین میوه‌ها تأمین کنند.

برخی از کویرنشینان، میوه‌های خشک شده قره‌داغ را می‌خورند.

اسکننبیل، توری برای مهار خاک «اسکننبیل» اما انگار خلق شده تا با ساختار خار ماندهش، مثل تئوری روی خاک پهن بشود و نگذارد تا بادهای گاه و بی‌گاه خاک کویر را به هوا بلند کنند. ریشه درختچه اسکننبیل در شتزارمناطق خشک، تنها وسیله جاذب رطوبت بوده و یگانه ابزاری است که گیاه برای جست وجوی رطوبت و رفع نیاز آبی خودش، به آن مجهز شده است. افزون بر این به خاطر کمبود میزان رطوبت در شتزار و کند بودن جریان آب در خاک، گیاه مجبور است به طور مداوم انشعابات ریشه را جهت دسترسی به رطوبت کافی، به هر سو گسیل دارد؛ بنابراین فعالیت رشد سیستم ریشه در این درختچه‌ها بسیار فعال بوده و حجم وسیع از ریشه‌ها، اندام را در مقابل شرایط محیطی سخت محافظت می‌کند. اندام هوایی گیاه هم به همین شکل رشد می‌کند.

به گفته خادم‌الشریعه یک درختچه بالغ اسکننبیل با شبکه ریشه‌ای گسترده قادر است تا ۱۰ تن خاک را محافظت کند. خانواده گیاه اسکننبیل دوازده، زیرگونه دارد که هر کدام برای شرایط خاصی از جغرافیای کویری مناسب‌هستند.



ا مردم/ حسن احمدی‌فرد ا ریشه‌های جونی‌ده‌اش تا عمق خاک‌ها فرو رفته است. ساقه به هم پیچیده‌اش اما قد کشیده به سمت آسمان. شاخ و برگ‌های رنگ پریده‌اش در هرم آفتاب، سایه‌گاهی آسوده است و در سیاهی شب، پناهگاهی مطمئن. از توفان، ترسی ندارد و از سرما و گرما، روزهای داغ سوزان را دیده است و شب‌های سرد یخبندان را. «تاغ» تنها و ریشه‌دار است و صبور و مستحکم؛ و همین‌هاست

محمداصاق خادم‌الشریعه ۳۸ سال دارد؛ کارشناس منابع طبیعی است و مسئول واحد بیابان‌زدایی اداره منابع طبیعی سبزوآر. او زاده و بزرگ شده سبزوآر هم هست؛ شهری بر دامن کویر؛ جغرافیایی کویری که طرح عظیم تساع‌کاری، نیم قرن پیش در بیابان‌های اطراف آن کلید خورد. او چیزی از شروع آن طرح به خاطر ندارد؛ او حدود پانزده سال پس از آغاز طرح به دنیا آمده است. پسر او و بزرگ‌ترهای فامیل، مثل همه سبزوآری‌های یا به سن گذشته اما خاطره‌های فراوانی از آغاز این طرح دارند.

خادم‌الشریعه کارشناس جوانی است که سال‌هاست همه توان علمی و ذوق و شوق ذاتی‌اش را به کمک آورده است تا اولاً نگذارد تا تاغزارها دوباره بیابان بشوند و کنار آن کمک کند تا عرصه‌های بیابانی به کمک دانش روز، به مراتع سرسبز بدل شوند. او دست‌کم ۱۰ سال است که شب و روزش را در بیابان‌های اطراف سبزوآر گذرانده؛ لایه‌لای جنگل‌های تاغی که نیازمند «جوان‌سازی» هستند و در میان بیابان‌هایی که به باور او سرمایه‌هایی ناشناخته‌اند و می‌توانند بستری برای ایجاد مراتع جدید باشند. خادم‌الشریعه فرایند تاغ‌کاری در دهه ۴۰ را به دقت مطالعه کرده است. این، بخشی از مطالعاتی است که اداره منابع طبیعی سبزوآر بر مبنای آن، طرحی نو برای بیابان‌های حاشیه سبزوآر ارائه کرده است تا با کاشت نهال از پیشروی بیابان جلوگیری کند.

ایستگاه برآباد با تابلوی تاریخی «ایستگاه تثبیت شن و بیابان‌زدایی» حالا در اختیار کارشناسان این اداره است تا محلی باشد برای کاشت و نگهداری بوته‌های تساع و بوته دیگر گیاهانی که قرار است به کمک آن‌ها، غول بیابان‌زایی، دوباره در حوالی سبزوآر، زمینگیر شود. خادم‌الشریعه کارش را از همین ایستگاه و از مطالعه تاغ‌های پیر و آقانی که به جان آن‌ها افتاده، آغاز کرده است. که حتی میزبان پرنده‌های مهاجر هم

سبزوآری‌ها غبارهای سرخ‌رنگی را به خاطر می‌آورند که تنفس در هوای شهر را ناممکن می‌کرد. بیشتر ماه‌های سال، سبزوآر درگیر توفان‌هایی بود که گرد و خاک را از بیابان‌های اطراف، به هوا بلند می‌کرد و مثل ابری تیره بر فراز شهر و آبادی می‌آورد. عملیات بزرگ تاغ‌کاری سال ۱۳۴۴ شروع شد؛ آن هم با بهره‌گیری از ناوگان هوایی و توان روستاییان سبزوآری. با شروع طرح تاغ‌کاری، دو سه سالی بیشتر طول نکشید که توفان‌های گرد و غبار فروکش کردند. پس از آن آرام آرام همه بیابان‌های بروهوت اطراف سبزوآر، به جنگل‌های تنگی تبدیل شد که بهارها غرق شکوفه‌های سفید و صورتی می‌شد و تابستان‌ها مأمنی می‌شد برای گشت و گذارهای خانوادگی و تفرج‌های آخر هفته.

در سایه تاغ‌ها، علف‌های بیابانی هم روییدند تا خوراک رمه روستایی‌ها را فراهم کند و سرسبزی را به بیابان‌های بیابوزند که تا بیش از آن، جز خاک و باد و گرد و غبار چیز دیگری نداشت.

در شهرستان سبزوآر، یک میلیون هکتار عرصه منابع طبیعی است. ۳۷۰ هزار هکتار از این اراضی تحت تأثیر فرسایش بادی قرار دارد. ۲۱ هزار هکتار هم در کانون بحرانی این فرسایش بادی است؛ این ۲۱ هزار هکتار، محل برداشت خاک و تولید گرد و غبار است. تاغ‌کاری در اراضی کانون فرسایش بادی انجام شد؛ آن هم در پنج ایستگاه، ایستگاه «حارث‌آباد» در نزدیکی روستای تاریخی حارث‌آباد، اولین ایستگاهی بود که ساخته

که این درخت تکیده را به نماد بیابان‌های خشک ایران‌زمین بدل کرده است.

در سرتاسر پهنه‌های کویری، تنها تاغ است که دیده می‌شود. از زمین‌های سفت و سخت گرفته تا تپه‌ماسه‌های روان، تنها تاغ است که می‌تواند بروید، قد بکشد و به برگ و بار بنشیند. تاغ، تنها سبزی مختصر کویر است. همین سبزی مختصر مرگ حتمی نجات داده

هست. آبی که قرار بوده در دل کویر گم بشود، اینجا در این حوضچه ذخیره می‌شود و به نوبت در زهکشی‌های انجام شده به پای بوته‌ها منتقل می‌شود. همین آبیاری‌ها کافی است تا نهال‌ها اینجا در دل بیابان‌های خشک سبزوآر پا بگیرند. خادم‌الشریعه توضیح می‌دهد که: «در هر ردیف از بوته‌کاری‌ها، از همه گونه‌های تولید شده در خزانه استفاده کرده‌یم. تاغ‌ها که برای سال‌های سال، تنها گونه کاشته شده در کویر بودند، حالا اما در کنار بوته‌های اسفناج وحشی، اسکننبیل و قره‌داغ کاشته می‌شوند. وجود بوته‌هایی مثل اسفناج وحشی، می‌تواند به کار چرای دام‌ها هم بیاید و اقتصاد جوامع محلی را از طریق طرح‌های بیابان

بهرت رشد می‌کند. او روزهای زیادی را اینجا در خزانه ایستگاه برآباد می‌گذراند. سردی و گرمی ناگهانی هوا، خشکسالی‌های پی در پی، باران‌های سیل‌آسا که گاهی در کویر می‌بارد، آفت‌هایی که گاه و بی‌گاه به جان نهال‌ها می‌افتند، همه و همه می‌تواند خزانه را تهدید کند. نهال‌هایی که قرار است، درختان ریشه‌دار تاغ بشوند، باید روزهای کودکی‌شان را

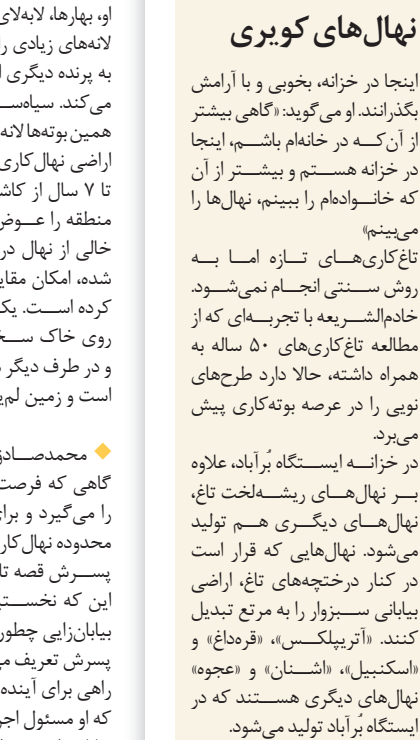
در محدوده ایستگاه بُرْآباد، جایی که محمداصاق خادم‌الشریعه مشغول فعالیت است، چندین خزانه وجود دارد. او به کمک شماری از روستایی‌ها، هر سال، انبوهی نهال تاغ تولید می‌کند تا در محدوده طرح‌های تاغ‌کاری کاشته شود. خزانه محیط نیمه طبیعی است که شرایط آن تحت کنترل قرار دارد. این شرایط کمک می‌کند تا بذر گیاه بتواند جوانه بزند. قلمه‌های گیاه هم در خزانه، بهتر رشد می‌کند.

او روزهای زیادی را اینجا در خزانه ایستگاه برآباد می‌گذراند. سردی و گرمی ناگهانی هوا، خشکسالی‌های پی در پی، باران‌های سیل‌آسا که گاهی در کویر می‌بارد، آفت‌هایی که گاه و بی‌گاه به جان نهال‌ها می‌افتند، همه و همه می‌تواند خزانه را تهدید کند. نهال‌هایی که قرار است، درختان ریشه‌دار تاغ بشوند، باید روزهای کودکی‌شان را

شد تا عملیات تاغ‌کاری در اطراف آن، اجرا شود. ایستگاه‌های «بُرْآباد»، «نامن»، «یچی‌آباد» و «کلاته میرعلی» هم پس از آن ساخته شدند. هر ایستگاه شامل بنایی یک طبقه و مکعب مانند است که دو اتاق بزرگ، انبار، آشپزخانه و دستشویی

است. اگر تاغ‌ها نبودند شهر و روستاهای فراوانی زیر خاک خزنده کویر دفن می‌شدند. ریشه‌های تاغ اما دست و بال کویر را بسته است. نیم قرن است که تاغ‌ها به کمک آمده‌اند تا نگذارند کویر پایش را به دامان زیستگاه‌های ما دراز کند. حالا اما چند سالی می‌شود که تاغ‌ها خسته شده‌اند. پیر و فرسوده شده‌اند. درخت‌های بسیاری هم خشکیده‌اند و آتش تنورها را شعله‌ور کرده‌اند. از آن جنگل‌های تو در تو

زدایی تأمین کند.» می‌گوید: «بوته‌ها که پا بگیرند، انگار مشت بسته زمین هم و می‌شود. با سبز شدن هر بوته و شاخ و برگ گرفتن آن، زمین اطراف آن برای رویش گیاه، شرایط مناسب‌تری پیدا می‌کند.» او هر روز لایه‌لای بوته‌های سرسبز می‌چرخد و انگار که تک تک آن‌ها را بشناسد، با هر کدام خوش و بش می‌کند. این جزیی از فعالیت‌های روزانه اوست. خادم‌الشریعه خاطرات فراوانی دارد که هر کدام، روزی گوشه و کنار همین بیابان شکل گرفته‌اند. می‌گوید: «یکی از روزها که از قضا از رسیدن بوجه‌های دولتی برای طرح‌های بیابان‌زدایی ناامید بودیم و به



حالا درخت‌هایی باقی مانده‌اند که روزگار پیری را می‌گذرانند. حرکتی که پنجاه و چند سال پیش آغاز شد، حالا به جانی دوباره نیاز دارد تا ادامه پیدا کند و نگذارد که غول بیابان‌زایی، همه آبادی‌ها را بلعد. حالا وقتش شده تا دوباره حرکتی ملی آغاز بشود. حرکتی که این بار با بهره‌گرفتن از تجربه‌ای پنجاه ساله، می‌خواهد فرصتی نو برای مهار بیابان‌زایی بسازد.

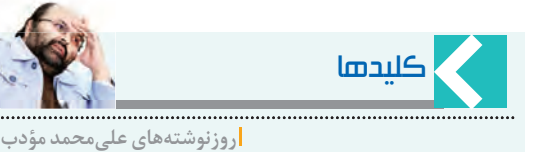
کیلوگرم در هکتار بوده حالا به ۴۵۰ کیلوگرم در هکتار رسیده است. او، این موفقیت را معجزه کویر می‌داند و می‌گوید، سال به سال، اراضی بیشتری را زیر کاشت نهال و بوته‌کاری می‌بریم و امیدواریم بتوانیم از ثروت کویر، به شکل مناسبی استفاده کنیم. کارشناس منابع طبیعی سبزوآر بیان‌زدایی را تولید ثروت می‌داند و می‌گوید: «حقوقم، حقوق کارمندی است اما خوشحالم که سرمایه‌ام، ثروت خدادادی طبیعت است.» او معتقد است بیابان‌زدایی می‌تواند اشتغال‌زایی، درآمدی در تولید، توسعه پایدار روستا، منظرسازی، توجه در پنجاه سال به راه در پی داشته باشد. این اتفاق به روشنی خودش را در اراضی نهال‌کاری شده سبزوآر نشان داده است.

خادم‌الشریعه امیدوار است طرح‌های نهال‌کاری در بیابان‌های سبزوآر بتواند گردشگران را هم به این پهنه کویری بکشاند. واقعیت آن است که این بیابان‌ها بیشتر از نیم قرن است که عرصه تلاش برای مقابله با غول بیابان‌زایی هستند. نبرد زندگی و مرگ سبزوآر به وضوح می‌توان دید. اینجا دیو خشکی و خشکسالی تپچه در پنجاه الهه آب‌ها انداخته است تا نگذارد سرسبزی پرتافتاده برگردد. جوان‌هایی از جنس محمداصاق خادم‌الشریعه هم به کمک الهه آب‌ها آمده‌اند تا زمین را از جنگل دیو بیرون بکشند. آن‌ها سال به سال عرصه‌های نهال‌کاری شده را افزایش می‌دهند. بوته‌های سرسبز که روی خاک خشکیده کویر پا می‌گیرند، خاری می‌شوند در چشم دیو خشکسالی؛ دیوی که اگر مجال پیدا کند، همه آبادی‌های ما را خواهد بلعید؛ شک این که نخستین تجربه‌های مقابله با بیابان‌زایی چطور شکل گرفته. او برای پسرش تعریف می‌کند که از آن تجربه‌ها راهی برای آینده ساخته است. با طرحی که او مسئول اجرای شدن آن در اراضی بیابانی است، تولید علوفه خشک که ۵

محمداصاق خادم‌الشریعه حالا گاهی که فرصت دارد، دست پسرش را می‌گیرد و برای ساعتی با خودش به محدوده نهال‌کاری شده می‌آورد. او برای پسرش قصه تاغ‌ها را تعریف می‌کند و این که نخستین تجربه‌های مقابله با بیابان‌زایی چطور شکل گرفته. او برای پسرش تعریف می‌کند که از آن تجربه‌ها راهی برای آینده ساخته است. با طرحی که او مسئول اجرای شدن آن در اراضی بیابانی است، تولید علوفه خشک که ۵

مردم سبزوآر حالا هر صبح که از خواب بیدار می‌شوند چشم می‌دوزند به افق، جایی که بوته‌های نهال، هر روز زیر آفتاب داغ کویر، بیشتر قد می‌کشند و در خاک‌های خشک ریشه می‌توانند.

دارد. در کنار ایستگاه‌ها آب‌انبارهایی هم به سنت آب‌انبارهای کهن ایرانی ساخته شده تا بخشی از آب شرب کارکنان ایستگاه را فراهم کند. کارشناس منابع طبیعی سبزوآر می‌گوید: «در آن سال‌ها، ۱۰۰ هزار هکتار از اراضی بیابانی سبزوآر زیر کشت تاغ رفت؛ بخشی از این کشت به صورت پخش هوایی بذر و بخشی دیگر به صورت کاشت دستی بوته تاغ انجام شد.» بذره‌های تاغ که جوانه زدند و نهال‌های چند ماهه دست‌کاشت که پا گرفتند، اراضی تاغ‌کاری شده چند نوبت آبیاری شدند. اگر تاغ‌ها می‌توانستند نخستین تابستان را بگذرانند، می‌شد اطمینان پیدا کرد که نهال دیگر به محیط طبیعی معرفی می‌شود و پس از آن، می‌تواند آب و مواد غذایی مورد نیاز خود را از خاک خشک کویر تأمین کند، و همین هم شد. با گذشت تابستان و رسیدن پاییز و آغاز بارش‌های پراکنده فصلی، تاغ‌ها دیگر به مرحله ثبات رسیدند. تک پایه‌های قدیمی تاغ، به جا مانده از اولین جنگل‌کاری تاغ کشور در سال ۱۳۴۴ حالا مثل مرددای جا افتاده، تنومند شده‌اند و سنی از آن‌ها گذشته است. پنجاه و چند سال پس از اجرای طرح تاغ‌کاری، ساختمان چهار ایستگاه همچنان پایرجاست. تنها ساختمان ایستگاه «حارث‌آباد» است که متروک شده. خادم‌الشریعه امیدوار است اداره منابع طبیعی بتواند با همکاری نهادهای مسئول، ساختمان متروکه این ایستگاه را دوباره احیا کرده و آن را به موزه منابع طبیعی یا موزه «بیابان‌زدایی» تبدیل کند.



کلیدها

ا روزنوشته‌های علی محمد مؤدب|

از قبله سعودی تا قبله محمدی



قبله یکی از مهم‌ترین ارکان هر خانهای است و توجه به قبله در طراحی خانه و خیابان و شهر ما باید لحاظ شود و جدی باشد. بنا به تجربه مستأجری، چیزی که این سال‌ها خیلی دیدهام این است که در طراحی بنا گاهی به قبله کم توجهی می‌شود و گاهی در تغییر مکان‌ها، تعیین قبله دقیق تا مدتی مسئله ذهنی ما بوده است. مهم‌ترین حرف همین قبله است که در تأویل عمیق تر به همه چیز زندگی ما رنگ و معنا می‌دهد. قبله جهتی است که بر افکار و اعمال ما حکم است و در مقام تأویل در ساحت‌های مختلف به ولایت و سیاست و سیاست ما بیاحت ما هم معنا می‌دهد.

در هر کاری قبله موضوعیت دارد و آدم بی قبله می‌شود گفت که وجود ندارد. منتها قبله‌ها فرق می‌کنند یکی قبله‌اش مکه است و یکی قبله‌اش سکه است. یکی قبله‌اش این است و یکی قبله‌اش آن… این روزها بحث تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان خیلی مطرح است. تلویزیون در زندگی مدرن خیلی به قبله بودن نزدیک شده و در اغلب خانه‌های ما در هر جهتی که نصیب می‌کنیم قبله را تعیین می‌کند. میل‌ها رو به تلویزیون چیده می‌شوند و سفره با توجه به تلویزیون انداخته می‌شود. خیلی از این کارها کارهایی هستند که در دستورات دینی باید رو به قبله انجام شوند. حتی خوابیدن هم باید رو به قبله باشد که در دوران ما آن هم رو به تلویزیون انجام می‌شود. البته تلویزیون ممکن است از فرستنده‌های دور یا نزدیک تغذیه شود. «ما و تو» و «بی بی سی فارسی» و فرستنده هایی از این دست براحتی قبله ما را عوض می‌کنند. جالب است که انگلیس در همین دوران صد ساله اخیر برای نابودی زبان فارسی در هند و افغانستان چه تلاش‌ها کرده است و حالا از بیت المال خودش هزینه تلویزیونی فارسی زبان را پرداخت می‌کند. تلویزیون‌های سعودی نسخه وحشتناکی هستند که اگر از داعش و اتفاقات یمن و قتل جمال خاشقجی غفلت کنیم بسادگی مسحور سرگرمی‌ها و نوستالوژی‌های دروغین آن‌ها خواهیم شد و قبله مان را خواهیم باخت. نیازی به خروج از جغرافیای ایران هم نیست، وقایع اهواز و جنایات گروهک‌های وهابی در سیستان و بلوچستان به یادمان می‌آورد که سرگرمی‌های سعودی مقدمه سربریدن‌ها هستند اگر سرمان را بالا نگیریم و قبله مان را درست انتخاب نکنیم.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

این کار دیوانگی نیست!



هفته نامه علمی ساینس در تازه‌ترین شماره خود در مقاله‌ای به تلاش‌های جالب اخیر دانشمندان برای تغییر ویژگی مواد خوراکی پرداخته است. این نشریه تمرکز خود را بر دستکاری خواص ژنتیک خوراکی‌ها برای درمان حساسیت‌های غذایی

است.تلاش‌های اخیر دانشمندان بخصوص برای بادام زمینی که به عنوان مثال ۲ درصد مردم آمریکا به آن حساسیت شدید دارند به هیچ وجه دیوانگی محسوب نمی‌شود!

شب‌های پاییز را از دست ندهید



نشریه آسترونومی یاستاره‌شناسی در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی به شکل جالب آسمان شب در فصل پاییز پرداخته که نمونه‌ای از آن را نیز به طرح روی جلد خود اختصاص داده و می‌گوید: دانشمندان به نجوم و تماشای ستاره‌ها جرت نخواهند کرد که چنین شب‌هایی را برای مشاهده آسمان از دست بدهند. این مجله همچنین بزرگ‌ترین تلسکوپ رادیویی جهان را معرفی کرده و در بین صفحات خود نیز یک پوستر با کیفیت بالا از منظومه شمسی به خوانندگانش هدیه می‌دهد.

سقوط دراماتیک



ماهانمه آل ابوت هیستوری (همه چیز در مورد تاریخ) در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای اختصاصی به ریچارد سوم آخرین پادشاه بریتانیا در قرون وسطا پرداخته است. پادشاهی که ظهورش خست‌نبار و سقوطش دراماتیک بود و همین هم سبب شد که ویلیام شکسپیر یکی از بهترین نمایشنامه‌های خود را بسا نام او بنویسد. این مجله همچنین به معرفی اولین قاتل سریالی تاریخ یعنی «ژله دو رایل» می‌پردازد که در قرون وسطا ده‌ها نفر را به قتل رساند.

گزارش از رویداد

رابطه انگلیسی

نگاهی به تاریخچه مناسبات سیاسی ایران و استعمار پیر

از رفتن «جینکینسون» آن هم در حضور سفیر دولت عثمانی که با ایران در حالت جنگ و سستیز به سر می‌برد، دستور می‌دهد جای پایش را که نجس بوده، تطهیر کنند! شاه طهماسب می‌خواهد به عثمانی‌ها حالی کند که با وجود اختلاف با دولت اسلامی عثمانی، خیلی به رابطه با کافران دل نیست‌ه است! با این وجود هم خودش و هم انگلیسی‌ها می‌دانند که هر دو طرف به این رابطه نیاز دارند. دولت ایران چون از سوی عثمانی و متحدانش تحت فشار قرار گرفته است، حضور امپراتوری اروپایی را در کنار خودش لازم می‌داند و انگلیس نیز در رقابت با فرانسه، پرتغال، اسپانیا و… فرصت را غنیمت شمرده و دوست دارد بخت استعماری‌اش را در ایران نیز آزمایش کند. ساده‌تر اینکه آن‌ها مثل حضورشان در گوشه و کنار دنیا، با حضور در ایران چند هدف را دنبال می‌کردند: اول اینکه انگلیسی‌ها، به صورت مداوم تاجر پیشه بودند و کسب درآمد بیشتر از هر چیز برایشان اهمیت داشت. دوم همان مسئله رقابت بود و کم کردن روی هلند، فرانسه، اسپانیا و… سوم درآمدن از پشت سر عثمانی‌ها و کنار گوششان. مورد چهارم هم تبلیغ آیین مسیحیت در قلب سرزمین‌های اسلامی بود. این مورد آخر را می‌توان یکی از مهم‌ترین اهداف آن‌ها در آن زمان قلمداد کرد، چون هرجا که بهت‌های سیاسی – تجاری انگلیسی حاضر می‌شدند، مبلغان مسیحی هم حضور داشتند.

۷ قرن رابطه

رابط میان ایران و انگلیس همان قدر که طولانی و قدیمی است، پر فراز و فرود هم هست. یعنی انگلیسی‌ها زمانی متوجه ایران، موقعیت مهم و استراتژیک آن و ظرفیت‌هایش شدند که هنوز نه «دایی جان ناپلئون» وجود داشت، نه تئوری معروفش «کار، کار! انگلیسی‌هاست» و نه بحث «توهم توطئه و توطئه توهم»!

تاریخ‌نویسان و کارشناسانی که لایذ خوراکشان روابط ایران – انگلیس است، می‌گویند: نخستین بار وقتی ایران هنوز صحنه سلطنت و حکمرانی نوادگان چنگیزخان بود به فکر رابطه با ایران افتادند. «داورد اول» در انگلستان به قدرت رسیده بود و در ایران «ارغون شاه» بر تخت سلطنت نشسته بود. جنگ‌های صلیبی گویا ۲۰۰ ساله شده و حوصله اروپایی‌ها را سر برده بود. شاید برای همین به فکر نفوذ در سرزمین‌های اسلامی افتاده بودند تا شاید بتوانند از راه دیگری، حریف را از پا در بیاورند. می‌گویند در این دوره آن‌ها تلاش کرده‌اند که روابط سیاسی با ایران را برقرار کنند اما دور بودن راه و امکانات آن زمان انگار سبب شده بود این تلاش‌ها به جایی نرسد و حضور انگلیسی‌ها در ایران بماند برای سال‌ها بعد و زمان شاه طهماسب صفوی.

چهار گانه انگلیسی

«آنتونی جینکینسون» نخستین فرستاده رسمی ملکه انگلیس است که حدود ۴۵۰ سال پیش، سرورکلاش در ایران پیدا می‌شود. برخورد شاه طهماسب صفوی با فرستاده‌ای که نامه ملکه را آورده و در ضمن نماینده یک شرکت تجاری هم هست، جالب توجه به نظر می‌رسد. از یک طرف نماینده انگلیسی‌ها را می‌پذیرد و از طرف دیگر پس

اینجا درنگ جایز است ! / نایب الزبیاره !



گاهی هم، عکس هایی از این دست در فضای مجازی داغ می شوند!

عکس هایی خالی از جنجال و سلبریتی ها

غیر قابل تعویض ترین وزیر را!



ایستگاه / استغفای آخوندی از سمت وزارت راه علاوه بر رسانه‌ها، در شبکه‌های مجازی هم بازتاب زیادی داشت. بسیاری از کاربران از استغفای آقای وزیر استقبال کردند و عده‌ای هم مثل همیشه شروع به شوخی با این ماجرا کردند! برخی از پست‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «غیر قابل تعویض ترین وزیر از سمت خودش استعفا داد. ظلمک باید از این به بعد با موجودی چهار و نیم میلیونیش زندگیشو بچرخونه. یکی از خدمات بی نظیر آقای آخوندی این بود که مسکن مهرهایی که اواخر دولت قبیل آماده بود و مردم هزینه کاملش رو پرداخت کرده بودند، به بهانه نداشتن زیرساخت تحویل نداد. دو سال بعد باز هم بدون زیرساخت و با گرفتن دو برابر همون مبلغ تحویلشون داد!»

و تجارت، انگلیس و قدرتش را به خدمت می‌گرفت و نفوذ عثمانی‌ها را در منطقه کم می‌کرد. از رقابت انگلیسی‌ها با پرتغال و اسپانیا باخبر بود و تلاش می‌کرد با استفاده از قدرت انگلیسی‌ها، پرتغال را از جنوب ایران و خلیج فارس بیرون براند. شاه‌عباس وقتی به امامقلی‌خان دستور داد کشتنی‌های پرتغالی را توقیف کند و سپاه ایران، رأس‌الخیمه، قسم و جزیره هرمز را محاصره کرد در واقع روی حمایت انگلیسی‌ها حساب کرده بود. برای همین توافقنامه‌ای با آن‌ها امضا کرد که: «غنائیم جنگی به‌طور مساوی بین ایران و انگلیس تقسیم شود، قلعه هرمز با تمام تجهیزات به انگلیس واگذار شود، در آمد گرمکی بین ایران و انگلیس تقسیم شود و هزینه جنگ نیز به‌طور مساوی تأمین شود». این سیاست شاه عباس فقط در حد بیرون راندن پرتغالی‌ها موفق بود اما این انگلیسی‌ها بودند که سود اصلی را بردند. اول اینکه به جای پرتغال در قلعه هرمز پایگاه تجاری تأسیس کردند و تجارت خلیج‌فارس به دست آن‌ها افتاد. ایران را هم تا حدی مسلح کردند که بعد بتوانند آرزوها و اهداف شاه عباس را کنترل کنند نه آن‌قدر که ایران به قدرتی نظامی در منطقه تبدیل شود و بعدها درمسر آفرینی کند.

قرار داد مُصل

دوران صفویه را هم می‌توان آغاز شکل گیری روابط رسمی میان ایران و انگلیس دانست و هم آغاز دخالت مستقیم آن‌ها در مسائل داخلی و استعمار وقیحانه شاهان صفوی پس از شاه عباس به مرور متعایل به فرانسوی‌ها می‌شوند و انگلیسی‌ها چون این ماجرا را بر نمی‌تابند بسا تحریک «میرویس قندهاری» و پس از آن فرزندش محمود، مهم‌ترین زمینه برای سرنگونی صفویه را فراهم می‌کنند. حالا اگر تاریخ را سریع‌تر ورق بزنیم، می‌رسیم به سال ۱۸۰۰ میلادی که نخستین سفارتخانه انگلستان در ایران تأسیس شد!انگلیسی‌ها همچنین در شهرهای مشهد، تبریز، رشت، شیراز، کرمانشاه، اصفهان، همدان و استرآباد هم کنسولگری دایر کردند و این



به آمریکایی‌هایی بسته که بتازگی وارد صحنه رقابت جهانی شده‌اند. بنابراین، برقراری دوباره رابطه‌ای که سیاه و قطع شده بود ماند برای یک سال بعد و پس از کودتای ۲۸ مرداد. ۲۹ مهر ۱۳۳۲ «آنتونی آیدن» وزیر خارجه وقت بریتانیا گفت: «بریتانیا بار دیگر دست دوستی به سوی ایران دراز می‌کند و برای تجدید مناسبات سیاسی همه نوع آمادگی دارد». عراده توپ به دولت ایران بدهد. افسر و مستشار نظامی برای تعلیم ارتش ایران بفرستند و… اما چند سال بعد وقتی روس‌ها به ایران حمله کرده و بخش‌هایی را اشغال کردند، هرچه دولتمردان قاجار طلب کمک کردند، انگلیسی‌ها به بهانه‌های مختلف از جایشان تکان نخوردند! پس از این ماجرا، ردپای استعمار و دسیسه‌های انگلیسی را می‌توان در ماجرای قرارداد تحمیلی «گلستان» و جدا شدن بخش‌هایی از ایران، به فاصله کمی از آن جدا کردن افغانستان از ایران، قرارداد رویترا، امتیازنامه «دارسی» که اکتشاف، استخراج و همه چیز نفت ایران را به انگلیسی‌ها داد، قرارداد «سن پترزبورگ» که جور دیگری ایران را میان انگلیس و روسیه تقسیم می‌کرد… سرانجام در ماجرای قحطی‌های سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ و مرگ هزاران هزار ایرانی دید.

همین قدر وقیحانه

حکایت انقلاب مشروطه و پس از آن ماجرای ملی شدن صنعت نفت را هم که کم‌نشنیده و نخواهد‌اید. در این میان اما جالب شباهت‌هایی است که میان رفتار آن زمان استعمار پیر و رفتار امروز آمریکا وجود دارد. دقیقاً شبیه آنچه امروز آمریکایی‌ها می‌گویند و توانایی‌های هسته‌ای ایران را تهدیدی برای صلح جهانی می‌دانند، نمایندگان انگلیس هم در سازمان ملل، همین قدر وقیحانه، ماجرای ملی شدن نفت ایران را تهدیدی برای صلح جهانی معرفی کردند! آخر کار هم وقتی دولت مصدق، قطع روابط سیاسی را اعلام کرد، انگلیسی‌ها کم‌ر به حنف خودش و دولتش بستند. می‌دانستند مصدق در این ماجرا، از سیاست‌های لندن متغیر شده و دل قابل تغییر و متفاوت با گذشته‌اشد.

دانشگاه‌نویشت

سفره حرمت دارد...

ایستگاه / امید ظرافتی | می‌ایستم توی صف بلند و بالای تحویل غذا. ۱۰ دقیقه بعد نوبتم می‌شود. سالن‌دار که ظرفم را بر می‌کند، سالانه سلاته می‌روم سمت ردیف میزهای غذا خوری. بو و طعم عجیب و غریب غذای سلف مثل ترم‌های اول اذیتم نمی‌کند. در سکوت غذا می‌خورم. به جز چند نفر که انتهای سالن بلند بلند حرف می‌زنند و می‌خندند، تقریباً بقیه ساکتند. گویی را در می‌آورم تا به بی حوصلگی‌ام غلبه کنم! «کانتکت»هایم را پایین و بالا می‌کنم و به اولین نفری که جلوی اسمش نوشته «آنلاین» پیام می‌فرستم که:«سلام! چند ثانیه بعد جوابم را می‌دهد و مشغول گپ زدن می‌شویم… به خودم که می‌آیم می‌بینم نیشم تا بناگوش باز شده. خودم را جمع و جور می‌کنم و به بهانه اینکه «کلاسم الان شروع می‌شود، از مخاطب پشت چت خداحافظی می‌کنم. ظرف غذایم تقریباً خالی شده و هرچه به حافظه‌ام فشار می‌آورم یادم نمی‌آید کسی غذایم را خورد!»ام غصه تنهایی دلم را می‌گیرد و دلم به حال خودم می‌سوزد. چشم‌هایم را سر تا سر سالن بزرگ سلف سرویس دانشگاه می‌چرخانم. بعضی‌ها حال چند دقیقه پیش خودم را دارند. لیخند می‌زنند یا اخم‌هایشان را کشیده‌اند توی هم، نگاهشان را دوخته‌اند به تلفن همراه و هر از گاهی یک قاشق از غذایشان را می‌خورند. آن‌ها یی که سرشان توی گوشی نیست هم ایستاده برای خودشان لقمه می‌گیرند و هنوز لقمه قبل را نجویند، لقمه بعدی را می‌چاپانند توی دهانشان که زودتر به کلاس بعدی برسند. مطمئنم هیچ کدامشان حتی نمی‌دانند دارند غذا می‌خورند… دلم برای همه شان می‌سوزد!

بی‌هوا دلم بر می‌کشد برای ناهارهای خانوادگی. از بعد تعطیلات بیسن دو ترم که رفته بودم شهر خودمان دیگر ندیدم خانواده را. تلفن همراهم را دوباره در می‌آورم که حال و احوالی کتم با اهل منزل. شماره پدر را می‌گیرم و چند ثانیه‌ای به صفحه تلفن همراهم نگاه می‌کنم اما پیش از اولین بوق، دکمه قرمز «پایان مکالمه» را فشار می‌دهم. می‌دانم الان سر سفره غذا هستند. کوله پشتی‌ام را برمی‌دارم و به سمت در خروجی می‌روم. پدر هر وقت سر سفره غذا گوشی دست یک کداممان می‌دید، می‌گفت: جمع کن آن لامذهب را! سفره غذا برکت خداست، حرمت دارد.

خون یمنی‌ها

ایستگاه / بعد از اینکه سعودی‌ها قتل روزنامه نگار عربستانی را گردن گرفتند، ماجرای آقای خاشقجی بیشتر از گذشته در فضای مجازی داغ شد. خیلی‌ها از سروصدای رسانه‌ای به پا شده در مقابل سکوت رسانه‌ها درباره قتل عام کودکان در یمن انتقاد می‌کنند و خیلی‌های دیگر هم به عربستان و «بن‌سلمان» می‌تانند! یک کاربر فضای مجازی در ارتباط با این ماجرا در توئیترش نوشت:« یکی به من بگه خون خاشقجی از خون یمنی‌ها که هر روز قتل عام می‌شن رنگین تره؟» یکی دیگر از کاربران هم نوشت:« آمریکا قلباً چقدر از سلاخی خاشقجی خوشحال است. هم منتقد بن سلمان از بین رفت و هم پنهانی‌ای پرسود پیدا شد برای دوشیدن ولیعهد سعودی».